

میتواند به این روش به دست آورد. در این روش، ابتدا یک لیست از تمام افراد شرکتی تهیه می‌شود. سپس برای هر فرد، یک کارت کوچک تهیه می‌شود که حاوی نام و مشخصات آن فرد است. این کارت‌ها در یک ظرف قرار می‌دهند و به روش تصادفی انتخاب می‌شوند. این روش برای انتخاب نمونه‌های تصادفی در تحقیقات علمی و اجتماعی بسیار مفید است.

بازیگر خوب و شایسته کیست؟

بازیگر خوب و شایسته کسی است که بتواند با بازیگری خود، احساسات و افکار مخاطب را درک کند و با بازیگری خود، آن‌ها را متقاعد کند. بازیگر خوب و شایسته باید دارای ویژگی‌های زیر باشد: ۱- توانایی درک عمیق از شخصیت بازیگر. ۲- توانایی در بیان احساسات و افکار بازیگر. ۳- توانایی در ایجاد ارتباط با مخاطب. ۴- توانایی در بازیگری در شرایط مختلف. ۵- توانایی در بازیگری در نقش‌های مختلف.

بازیگر خوب و شایسته باید دارای ویژگی‌های زیر باشد: ۱- توانایی درک عمیق از شخصیت بازیگر. ۲- توانایی در بیان احساسات و افکار بازیگر. ۳- توانایی در ایجاد ارتباط با مخاطب. ۴- توانایی در بازیگری در شرایط مختلف. ۵- توانایی در بازیگری در نقش‌های مختلف.

بازیگر خوب و شایسته باید دارای ویژگی‌های زیر باشد: ۱- توانایی درک عمیق از شخصیت بازیگر. ۲- توانایی در بیان احساسات و افکار بازیگر. ۳- توانایی در ایجاد ارتباط با مخاطب. ۴- توانایی در بازیگری در شرایط مختلف. ۵- توانایی در بازیگری در نقش‌های مختلف.

بازیگر خوب و شایسته باید دارای ویژگی‌های زیر باشد: ۱- توانایی درک عمیق از شخصیت بازیگر. ۲- توانایی در بیان احساسات و افکار بازیگر. ۳- توانایی در ایجاد ارتباط با مخاطب. ۴- توانایی در بازیگری در شرایط مختلف. ۵- توانایی در بازیگری در نقش‌های مختلف.

بازیگر خوب و شایسته باید دارای ویژگی‌های زیر باشد: ۱- توانایی درک عمیق از شخصیت بازیگر. ۲- توانایی در بیان احساسات و افکار بازیگر. ۳- توانایی در ایجاد ارتباط با مخاطب. ۴- توانایی در بازیگری در شرایط مختلف. ۵- توانایی در بازیگری در نقش‌های مختلف.

بازیگر خوب و شایسته باید دارای ویژگی‌های زیر باشد: ۱- توانایی درک عمیق از شخصیت بازیگر. ۲- توانایی در بیان احساسات و افکار بازیگر. ۳- توانایی در ایجاد ارتباط با مخاطب. ۴- توانایی در بازیگری در شرایط مختلف. ۵- توانایی در بازیگری در نقش‌های مختلف.

بازیگر خوب و شایسته باید دارای ویژگی‌های زیر باشد: ۱- توانایی درک عمیق از شخصیت بازیگر. ۲- توانایی در بیان احساسات و افکار بازیگر. ۳- توانایی در ایجاد ارتباط با مخاطب. ۴- توانایی در بازیگری در شرایط مختلف. ۵- توانایی در بازیگری در نقش‌های مختلف.

بازیگر خوب و شایسته باید دارای ویژگی‌های زیر باشد: ۱- توانایی درک عمیق از شخصیت بازیگر. ۲- توانایی در بیان احساسات و افکار بازیگر. ۳- توانایی در ایجاد ارتباط با مخاطب. ۴- توانایی در بازیگری در شرایط مختلف. ۵- توانایی در بازیگری در نقش‌های مختلف.

بازیگر خوب و شایسته باید دارای ویژگی‌های زیر باشد: ۱- توانایی درک عمیق از شخصیت بازیگر. ۲- توانایی در بیان احساسات و افکار بازیگر. ۳- توانایی در ایجاد ارتباط با مخاطب. ۴- توانایی در بازیگری در شرایط مختلف. ۵- توانایی در بازیگری در نقش‌های مختلف.

اهمیت بازی بازیگر در رشته‌های مختلف هنرهای نمایشی متفاوت است. در تئاتر، در درجه اول اهمیت قرار می‌گیرد و دور سینما در درجات دوم و سوم، یعنی هنرپیشه تأثیر نیتواند تازه کار وی اطلاع باشد و نمایشنامه اجرا هر قدر هم که ساده باشد خوب از آب در آورده و حال آنکه برای بازی در سینما اطلاعات همین و بهر و تخصص زیاد در امور هنر نمایش لازم نیست و تجربه ثابت شده است که یک کارگردان وارد و مطلع میتواند با اشخاص عادی که فقط ذوق و سلیقه‌ای داشته باشند کار کند و فیلم خوبی از آنها بسازد (البته برای تهیه فیلم‌های ساده و الستی) ولی اگر فرار شود و در تئاتر حرفی در سینما بخواهند

نمایشنامه با ستاره‌های سینما و (سبکی‌های کلاسیک) سینما و بازیگر خوب و شایسته باید دارای ویژگی‌های زیر باشد: ۱- توانایی درک عمیق از شخصیت بازیگر. ۲- توانایی در بیان احساسات و افکار بازیگر. ۳- توانایی در ایجاد ارتباط با مخاطب. ۴- توانایی در بازیگری در شرایط مختلف. ۵- توانایی در بازیگری در نقش‌های مختلف.

بازیگر خوب و شایسته باید دارای ویژگی‌های زیر باشد: ۱- توانایی درک عمیق از شخصیت بازیگر. ۲- توانایی در بیان احساسات و افکار بازیگر. ۳- توانایی در ایجاد ارتباط با مخاطب. ۴- توانایی در بازیگری در شرایط مختلف. ۵- توانایی در بازیگری در نقش‌های مختلف.

بازیگر خوب و شایسته باید دارای ویژگی‌های زیر باشد: ۱- توانایی درک عمیق از شخصیت بازیگر. ۲- توانایی در بیان احساسات و افکار بازیگر. ۳- توانایی در ایجاد ارتباط با مخاطب. ۴- توانایی در بازیگری در شرایط مختلف. ۵- توانایی در بازیگری در نقش‌های مختلف.

بازیگر خوب و شایسته باید دارای ویژگی‌های زیر باشد: ۱- توانایی درک عمیق از شخصیت بازیگر. ۲- توانایی در بیان احساسات و افکار بازیگر. ۳- توانایی در ایجاد ارتباط با مخاطب. ۴- توانایی در بازیگری در شرایط مختلف. ۵- توانایی در بازیگری در نقش‌های مختلف.

بازیگر خوب و شایسته باید دارای ویژگی‌های زیر باشد: ۱- توانایی درک عمیق از شخصیت بازیگر. ۲- توانایی در بیان احساسات و افکار بازیگر. ۳- توانایی در ایجاد ارتباط با مخاطب. ۴- توانایی در بازیگری در شرایط مختلف. ۵- توانایی در بازیگری در نقش‌های مختلف.

تا اینجا درباره فهم هنری و دانش تنویریک یک بازیگر صحبت شد و اما فهم تنها برای بازیگر کافی نیست ، بلکه بازیگر باید علم بازیگری را هم بداند و با آن آشنائی کامل داشته باشد ، زیرا چه بسا اتفاق افتاده که اشخاص خیلی خوب مطلقاً را فهمیده اند ولی وقتی خواستند آن مطلق را در حین بازی بدینگران بجهانمانه غایب نمائند .

اینجاست که ندانستن فن بازیگری آن اشخاص و اعلاجز و ناتوان معرفی کرده است .

درباره قواعد هنری بازی در صحنه چند کتاب ترجمه و تالیف شده است که بحث درباره آن از فرصت است . مقاله خارج است ، علاقتندان میتوانند بآن کتابها مراجعه نمایند و اما تا آنجا که لازم باشد نکاتی تذکر داده میشود .

بازیگر برای اجرای نقش محوله باید کلیه اصول و قوانین فن بیان و روش حرکت و سکون را سهامه یعنی آنطور حرف بزهد که لازم است و آنطور نشست و برخاست کند که شباهت است گاه اتفاق می افتد که در موقع نمایش فیلم یا روی صحنه تئاتر با هنر پیشگامی بر می خورید که طوطی وار کلمات را ستیجه و مزمزم کرده از دهانش بیرون برانده و یا مدائنی تعلیم نیافته و بی رنگ نشی را بازی میکند .

شکستید درباره این قبیل هنر پیشگان در نمایشگاه اروپا در شب نیمه تا شان ، از زبان چند بازیگر آنطور استماع میکنم .
« چند نفر گفتند بازیگری که برای آنها در فرودگاه نمایش داده است اتفاق میکنند »

« نقلی از ترجمه مسعود رفاه »

« بیوس - این مرد بی فکری و بی حیا و باغله دار و امیکر .
لاستور - ایراد مقدمه او همانند آن بود که وی سوار

یک گره اسپ سر کش شده باشد ، بتازو و بنگرود ، نیمه است کجا درنگ کند ، قربان باید متوجه این اصل بود که هر کس کفن کافی نیست ، بلکه باید درست سخن گفت .

هیولیتا - راستی ضروری مقدمه را بیان کردی که کونی کودکی یک سیاه نری او میتوانی صدائی در آورده ولی تعلیم نداشت . . . »

بازیگرانی که قواعد فن بیان و رعایت نینمایند زود شوند و خواست میکنند از این رو است که در کشورهای اروپائی در تئاتر و سینما آثار هنر پیشگان و گستر و اتوار ، دیده است فاده می شود . و اما درباره ذکر گون چهار مورد حرکت .

« ذکر گونی چهار مورد مقابل تاثرات مختلف شاقی ، غم ترس ، صابرت ، لغت ، با اصطلاح « میم » می نامند . برای آموزش « میم » بعضی هاسن کرده اند که قواعدی تراشده و نشان دادن این تاثرات را مطابق الگوئی که اشراع آنهاست فقط بپرد و لایکهای سیرک معبود تحت قوانین من در آری در آورند که مثلا اگر خواستید گریه کنید ابتدا گولته های ابرو را بالا بیاورید ، پیشانی چنچین افقی بدهید ، چشمها را

این دست بجای آموزش صحیح هنری بهر جوان دلفش بازی « گریه ماس » می آموزند و حال آنکه اشخاص برای نشان دادن تاثرات گوناگون حالت های مختلفی را چه می خورند می دهند .
بعضی در حین خشم ابرویش گریه می خورند و عضلات صورتش منقبض و مرتعش میشود و دیگری بر عکس صورتش باز میشود و فقط چشمهایش حالت خشم و غضب را نمایش میدهد .
اینکه فلان حالت را برای نشان دادن غضب بصورت خود بدهید و یا برای نمودار ساختن حالت تسخر چنین و چنان بکنید « مندی » بسیار غلط و بی معنی است .

و اما برای هر کس (نشسته و برخاست بازیگران در صحنه) و با اصطلاح خارجی « ژست » قواعدی هست که از طبیعت گرفته شده و تنها در موقع اجرای تپیهای مختلف آن قواعد تغییر فرم نمائند . این قواعد که در کلیه مدارس « هنر دراماتیک » جهان تدریس میشود برای هر بازیگری لازم است .

وقتی بازیگری قواعد و اصول علمی هنرهای نمایش را دانست و از طرفی حد کافی دانش و معلومات عمومی کسب کرد میتواند بازیگر خوبی باشد و در موقع اجرای نقش روی صحنه نمایش را از گزارش راضی نماید .

بازی هنر پیشگان در سکوت

در طبیعت صحنه های گویائی تاثر و سینما صحنه های تنگ بازیگران باید دیگر صحبت میکنند از نظر هنری با سازه بین سکونها صحنه و با همین پاساژها سکوت های یک نامشاه میکنند .
بازیگر زهد پیدا میکند ، و در این سکوتها هست که هنر بازیگران تجلی کرده و شخصیت هنری آنها نمایان میگردد .
بازیگران بزرگ جهان شهرت و موفقیت خود را در اجرای مشخصات مشخصترین عوامل تشریح و تشریح حالات در واتنی خود در سکوت های هنرهای نمایش بدست آورده اند .

« مطالعات هنر پیشه تنها کافی نیست که خوب سخن بگویند و با خوب نشست و برخاست کنند ، اینها اصول مقدماتی هنرهای نمایشی است که هر بازیگر تازه کاری باید آرا موخته باشد ، هنر پیشه بزرگ هنر پیشه است که بتواند در سکون و سکوت خلافت هنری خود را بیوت برساند زیرا نامشاهم نویسان برای گفتار بازیگران جملات لازم را در نمایشنامه های خود ذکر کرده اند تنها آنچه باین جملات روح میدهد بازی در سکوت های نامشاهم است که بازیگران با اجرای صحیح آن فهم و قدرت هنری خود را بیوت میرسانند .

عجز یک بازیگر تازه کار و بی تجربه وقتی نمایان میگردد که گفتاروش تمام میشود و می خواهد سخن بفرماند و بشنود بازیگران بی تجربه و ناشی اغلب در این صحنه عاملت خوب خشک و یا عروسک های گوئی وقتی گفتارشان پایان میرسد گویشان تمام میشود و سرجای خود صبح گوب میشوند و دوباره سرجمله حد که نوشتن میرسد جان میگیرند و در لسان را از اندام میدهند و حال آنکه در هنرهای نمایشی همانقدر که خوب سخن گفتن اهمیت دارد خوب سخن شنیدن صدمندان ارزش دارد .

واما این سکوتها چگونه پدید می آید ؟ . . .

در بازی هنریشگان هر سکوت مقدمه‌ای برای تحول از حالتی به حالت دیگر می باشد : مادری که غوش و غوغا نموده نشسته است وقتی باو خبر می‌دهند که پسرش را گشته اند و بی بلافاصله تنش پسرش را در مقابلش می‌آورند ابتدا یک حالت بهت‌زدگی و در غمت پیدا میکند و در یک سکوت مرگبار فرو می‌رود گسه مقدمه‌ای برای شیون و زاری لحنهٔ بعد اوست ، این سکوت عین ویرمضی هر نفس موثر نشان داده شود شیون و زاری آن مادر بیشتر در نماشایی تاثیر می‌گذارد و در چنین مواقع هنریشهٔ ناخبره و بازیگر شایسته این سکوت‌ها می‌آفریند و با آفرینش آن به تاثیر بازی‌اش می‌افزاید و بکس هنریشهٔ ناخبره کار بدون مقدمه شیون و زاری راه می‌بازد و مردم را بجای آنکه محزون کند می‌خنداند .

در این میان یکی سکوت و خلق کرده قسمت هنری‌اش را نشان می‌دهد دیگری به سکوت توجه نکرده بازی‌اش را ناقص و بی‌مغنی انجام می‌دهد .

واما برای آنکه سکوت‌های نمایش تاثیر بیشتری در بازی هنریشگان ایجاد کند اغلب از موزیک صحنه استفاده می‌شود موسیقی صحنه در حقیقت تاثیر یک سکوت عین را صفا چندان میکند .

وقتی می‌خواهیم خاموشی یک «زمانی» و انگام غروب آفتاب که گرفتگی و رنج بیشتری برای زندگی شخص ایجاد می‌شود مجسم کنیم در دور نوح او را یک نوح مداوم ابدی جلوه‌گر سازیم اگر فرض نشان بدیم که پشت میله‌های آهنین شخص زندانی ایستاده و نقطه نام‌اومس (پشت دیوارهای زندان) آنست که مردم آزاد ، زندگی میکنند و شادی دارند (توجه داده این حالت در هر قسم هنریشه ای خوب نشان بدهد باز هم تاثیرش آنقدر نخواهد بود که هم‌آهنگ با موزیک جلوه‌گر شود .

همین جهت هنریشه خوب باید موزیک را پیش‌اندازد و استفاده از آنرا بدانند تا توان احساساتش را هم‌آهنگ با آن موسیقی نمایش بگذارد .

موزیک در سکوت‌ها هنریشه الهام می‌دهد که چه چگونه خود را نشان دهد و گاهی اوقات او را بسوی کنال و هیری میکند و هنریشه تحت تاثیر آن موسیقی نقش و ربا فترت توانایی انجام می‌دهد .

حالی‌وقت هنریشه‌ای در کار هنری خود می‌پارت و استادی داشت و یک موسیقی عین و عالی هم او را همراهی کرد تا شایخی در ناآلار نمایش محو تر اوشده و حس میکند که در مقابلش یک اثر عالی اجرا می‌شود .

اینجا است که تا شایع‌ان نسبت سطح فهم و دانش خود برای بازیگر آن در شایع‌ان می‌شود و نم‌ها اگر به عالم هنرهای نمایش آشنا باشند نکات دقیق و فنی هنر آنها را درمی‌یابد و تا شایع‌ان مادی معطوری احساس خوبی را از بازیگر شایسته و خوب و دیگری را از بازیگر بی‌تجربه می‌خواهد .

بودن یا نبودن

از تراژدی «هاملت» اثر شکسپیر

بودن یا نبودن ، کدام یک را باید اختیار کرد

در در خود را جو درستم باید مقاومت کرد یا تحمل ؟

مسئله این است آیا ستم‌بره است که ضربات روزگار تا مساعده و تحمل شود یا آنکه سلاح تیرد بسته گرفته با اینگونه مشکلات جنگیم و آن ناگواری‌ها و آزار میان برادریم ؟
مرگن . . . خفتن . . . همین بس . . . اگر رویای مرگ بودهای قلب ما هزاران الام دیگر که طبیعت بر جسم ما مستولی میکند با پایان خنده غمناکی است که باستانی الهه البته از زمانه آن بود . . . مرگن . . . خفتن . . . شاید بغوا و پنهان آه : آه‌ها عجبجا است در آن زمان که کالبد خاکی را حضور انداخته باشیم در آن خواب‌مردک ، شاید رویاها ناگواری همیشه ترس از همان رویاها است که ما را به تحمل و امیدوارد و هیچگونه پیش بینی‌ها است که عمر مصیبت و سختی و اینقدر طولانی میکند زیرا اگر انسان بفهم داشته باشد که با یک خنجر برهنه می‌تواند خود را آسوده کند ، کیست که در مقابل خفتنای زمانه ، طعم طایم را نغمه مرگ معتبر ، آلام عشق بوقامت منسب دازان و تحلیلهائی که لا یقین می‌وروز دست ناایقان می‌بیند ،

کیست که حاضر به برین این بارها باشد و نخواهد که در زیر فشار بگذرد و گاهی طاق فرساید و بدی ناله و شکایت کند و عرق بریزد ؟

همان‌تایم از ما و راه مرگ ، آن‌سز زمین تا مکتوبی که از سر حدش هیچ مسافری بر نمی‌گذرد شخص را حیران و اراده او را ست میکند ما را و امیدوارد تا همه رنج‌هایی را که در حال حاضر داریم تحمل نماییم خود را میان مشقانی که از حد و نوع آن بی‌خبر هستیم بر تاپ بکنیم ، آری فکر و عقل همه را ترسو و حیران میکند و عزیم و اراده هر زمان که با افکار احتیاط آمیز توام گردد و نک باخته سلاطین خود را از دست می‌دهد و خیالات بسیار بلند با توجه باین نکته از سیر و جریان طبیعی خود باز مانده بر مرحله عمل سیر شده و از میان می‌رود .